

## بررسی انتقادی ترجمه گروهک مجاهدین خلق (منافقین) از نهج البلاغه

با تکیه بر رویکرد ون لیوون (۲۰۰۸)

راضیه نظری<sup>۱\*</sup>، یحیی میرحسینی<sup>۲</sup>، رضا کریمی<sup>۳</sup>

۱- استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران

۲- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران

۳- دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران

پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۹

دریافت: ۱۴۰۰/۲/۲۹

### چکیده

ترجمه، یکی از راه‌های بازتولید ایدئولوژی است؛ از همین رو شیوه‌های تحلیل انتقادی ترجمه می‌تواند معیار مناسبی برای ارزیابی عملکرد مترجمان به‌شمار آید. در این میان، مجاهدین خلق که بسیار به نهج البلاغه برای تبیین آراء و افکار خود توجه داشتند، در برگردان سخنان حضرت علی (ع) از متن اصلی، ایدئولوژی سازمان خود را منتقل می‌کردند. این جستار با تکیه بر روش‌های توصیفی-تحلیلی و از رهگذر مطالعه منابع کتابخانه‌ای به دنبال تبیین مواضع ایدئولوژیک این گروهک در ترجمه بر اساس الگوی ون لیوون است. الگوی یادشده مبتنی بر شاخص‌های جامعه‌شناختی-معنایی بوده، به دو بخش کلی اظهار و حذف، تقسیم می‌شود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که گروهک مجاهدین خلق در ترجمه‌های خود از مؤلفه‌های اظهار، بیش از حذف سود جستند. در برگردان ۵۰ فراز از نهج البلاغه، هفت مؤلفه فعال‌سازی، طبقه‌بندی، واژگان با توضیح، پیوند، تفکیک، عینی‌کردن و حذف به کار رفته است. از این میان، سه مؤلفه اظهار که عبارتند از واژگان با توضیح، طبقه‌بندی و تفکیک، بیشترین بسامد را دارا است. گروهک مجاهدین با استفاده از راهبردهای بازنمایی کارگزاران اجتماعی، تعریفی منحصر به فرد از کنشگران انقلابی ارائه دادند، سپس آنان را طبقه‌بندی و مردم را نسبت به پیروی از این گروه تشویق کردند. در اثر کاربست این مؤلفه‌ها، برگردان‌های این گروهک از نهج البلاغه به دگرگفتی بدل گشته که در آن گفتمان سازمانی، جایگزین گفتمان علوی شده است.

واژگان کلیدی: ترجمه نهج البلاغه، گروهک مجاهدین خلق، بازتولید ایدئولوژی، الگوی ون لیوون

## ۱- مقدمه

آینه تاریخ گواه آن است که وقوع انقلاب در ایران در نتیجه نقش آفرینی کنشگران اجتماعی<sup>۱</sup> متعددی بوده است؛ گروه‌هایی که اگرچه روزگاری افکار عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دادند، با گذشت زمان عیار ادعاهایشان آشکار و ناکارآمدیشان عیان شد. مجاهدین خلق- که بعدها بواسطه جنایت‌هایشان به گروهک منافقین مشهور شدند- از جمله این گروه‌ها بودند که شالوده باورهایشان آموزه‌های مارکس بود و در سال ۱۳۵۴ به طور رسمی پذیرش این آموزه‌ها را اعلام کردند (کریمی، ۱۳۸۴: ۹۷).

همانطور که می‌دانیم، موفقیت‌آمیز بودن تحریکات و جنبش‌های اجتماعی در گروهی همراهی عامه مردم است؛ به همین جهت مجاهدین خلق که نسبت به جایگاه و نفوذ گفتمان دینی در جامعه ایرانی آگاه بودند، تلاش کردند با ترجمه متون مقدس و شرح و تفسیر آن، همراهی خیل عظیم اجتماعی را به دست آورند.

از آنجا که نهج‌البلاغه نزد جامعه شیعی، متنی مقدس به شمار آمده و بسیاری از خطبه‌ها و نامه‌های آن متضمن مفاهیم و آداب حکمرانی است، آموزه‌هایش در کوران انقلاب اسلامی بسیار مورد توجه کنشگران انقلابی قرار گرفته بود. در این میان، مجاهدین خلق تلاش کردند در سایه خوانش منحصر به فرد خویش از گفتمان دینی، این اثر را ترجمه نمایند؛ خوانشی که گزاره‌های آن عبارت بود از: «منزه و یکتا دانستن هسته قدرت که از آن با عنوان کادر یاد کرده‌اند، لزوم تبعیت مطلق و بی و چون چرا از کادر رهبری، ارج نهادن به کنش‌های خشن و مسلحانه در رویارویی با عناصر مخالف و تأکید بر داشتن چارچوب ایدئولوژی در مبارزه» (همان: ۱۱). بنابراین، ایدئولوژی حکم یک صافی را برای ترجمه مجاهدین خلق داشت.

امروزه، صاحب‌نظران حوزه مطالعات ترجمه ثابت کرده‌اند که همه برگردان‌ها کم و بیش دربردارنده ایدئولوژی مترجم است و در این راستا الگوهای متنوعی برای تحلیل انتقادی ترجمه ارائه داده‌اند.

هدف از نگارش جستار حاضر آن است که با تکیه بر چارچوب نظریه الگوی تحلیلی انتقادی ون لیوون<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) کنش‌های گفتمانی و هویت کنشگران در ترجمه سازمان مجاهدین خلق تبیین و مشخص شود که آنان چگونه از ابزار زبان در قالب راهبردهای ترجمه بهره می‌گرفتند تا ایدئولوژی‌های خودساخته را بازتولید کنند و در نهایت با اثرگذاری بر مخاطب عام بتوانند از نیروی حداکثری جامعه در جهت پیشبرد اهداف سازمانی بهره جویند.

### ۱-۱- پرسش‌های پژوهش

با عنایت به آنچه که در سطور بالا بیان شد، انتظار می‌رود مقاله پیش‌رو پاسخگوی پرسش‌های زیر باشد:

- کدام‌یک از راهبردهای الگوی تحلیلی ون لیوون در ترجمه مجاهدین خلق به کار رفته است؟

- کنشگران اجتماعی در ترجمه مجاهدین خلق چگونه بازنمایی شده‌اند؟

### ۲-۱- پیشینه پژوهش

تاکنون مقالات متعددی در ارتباط با کاربست الگوی ون لیوون در متون مختلف اعم از دینی و غیر دینی به نگارش درآمده که این امر نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری این الگوی تحلیلی است. مهم‌ترین این آثار عبارتند از:

«شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در گفتمان فارسی: تحلیلی توجیهی گفتمان با عنایت به مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی» از رزمجو و همکار که در مجله زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۹۵، سال ۱۳۸۴ به چاپ رسیده است. در این مقاله نویسندگان به تبیین شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در زبان فارسی پرداخته‌اند.

«مؤلفه‌های زبان‌شناختی و جامعه‌شناختی - معنایی و بازنمایی کنشگران اجتماعی در متون مطبوعاتی» از اسدی و همکاران، چاپ شده در نشریه جستارهای زبانی شماره ۲۳،

سال ۱۳۹۴. نویسندگان در این مقاله اثبات کرده‌اند که مؤلفه‌های گفتمان‌مدار و ایدئولوژی و روابط قدرت با یکدیگر تعاملی تنگاتنگ دارند.

«بررسی ساخت‌های گفتمان‌مدار سوره قصص بر اساس الگوی ون لیوون»، از عرب یوسف‌آبادی و همکاران که در فصلنامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی، شماره سوم، سال ۱۳۹۶، به چاپ رسیده است. در این اثر، نویسندگان با کاربست الگوی ون لیوون نظام گفتمانی سوره قصص را تحلیل و مشخص کردند که در بازنمایی نقش کارگزاران اجتماعی از دیدگاه الهی مؤلفه‌های اظهار بسامد بالایی دارد.

همچنین یزدان و همکاران در مقاله «تحلیل ساخت‌های گفتمان‌مدار در سوره مریم (بر اساس الگوی ون لیوون)، چاپ شده در مجله سبک‌شناختی قرآن کریم، شماره دوم، سال ۱۳۹۸، این مطلب را اثبات کردند که بسامد بالای اظهار کارگزاران اجتماعی با مکی بودن سوره و سطح مخاطبان اولیه آن پیوندی مستقیم دارد.

در مقاله «واکاوی تطبیقی بافتارهای گفتمان‌مدار روایت حضرت نوح در دو سوره هود و نوح بر محور الگوی ون لیوون»، چاپ شده در مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی، شماره ۲۲، سال ۱۳۹۹، از فلاح و همکار، بررسی تطبیقی مؤلفه‌های گفتمان‌مدار داستان حضرت نوح (ع) در دو سوره هود و نوح صورت گرفته و ارتباط این مؤلفه‌ها با عصر نزول و موقعیت اجتماعی مسلمانان تبیین شده است.

در هیچ‌یک از آثار یاد شده الگوی ون لیوون با هدف کشف وجوه ایدئولوژی در متن به کار نرفته است. این درحالی است که متن‌های ترجمه شده از متون مقدس، مانند نهج‌البلاغه بستری مهم برای بازنمایی عقاید و ایدئولوژی مترجمین است. از این‌رو، بررسی ترجمه مجاهدین خلق، از نهج‌البلاغه با تکیه بر الگوی ون لیوون ضروری است؛ چه‌آنکه تبلیغات این گروه روزگاری در صحنه سیاسی کشور اثرگذار بود.

### ۱-۳- روش پژوهش

این مقاله از رهگذر مطالعه منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی و نیز با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی به رشته نگارش درآمده است. گفتنی است با وجود تلاش گسترده، متنی واحد از ترجمه سازمان مجاهدین خلق از نهج البلاغه به دست نیامده است؛ به همین خاطر، دامنه پژوهش حاضر شامل ۶۰ متن ترجمه شده می‌باشد که با مطالعه همه آثار به‌جا مانده از این سازمان جمع‌آوری شده است. همچنین مشخص شد از این میزان، موضوع ۳۶ متن، مبتنی بر مفاهیم انقلاب، سیاست، ارتباط نقش‌های رهبری و مردم با مفاهیم یاد شده و نیز رابطه‌شان با یکدیگر در جامعه است. این مجموعه شامل ۲۶ خطبه، ۷ نامه و ۳ حکمت بوده و در مجموع، ترجمه ۵۰ فراز، تحلیل و برجسته‌ترین نمونه‌های آن شرح داده شده است.

منابع مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از:

کتاب تبیین جهان (قواعد و مفهوم تکامل) آموزش‌های ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق ایران [سخنرانی مسعود رجوی]، (۱۳۵۸)؛

رهنمودهایی درباره پاسداری، (۱۳۵۸)؛

رهنمودهایی به جوانان انقلابی: خودسازی از دیدگاه مجاهدین [درس اول انسان چه

مهره‌ای است؟]، (۱۳۵۸)؛

راه انبیاء، راه بشر [سومین کتب ایدئولوژی مجاهدین خلق]، (۱۳۵۷)؛

انقلاب از دیدگاه امام علی (ع) [برداشت‌هایی از خطبه ۱۵ و ۱۶]، (بی‌تا)؛

بیانیه اعلام مواضع سیاسی حضرت علی (ع) در آغاز رهبری، نشریه مجاهد، ش ۲،

صص ۱ و ۹، (۱۳۵۸)؛ فروغ نهج البلاغه، (بی‌تا)؛

معیارهای صلاحیت رهبری از دیدگاه علی (ع)، (۱۳۵۹).

مطالعه همین میزان ترجمه، نشان می‌دهد که در خوانش این گروهک، مفهوم «قدرت

طلبی» جایگاهی مهم داشته؛ به طوری که در سایه آن، هویت افراد، طبقات جامعه و

چگونگی کنش‌گری آنان بازنمایی شده است.

## ۲- مبانی نظری پژوهش

ایدئولوژی، از منظر زبان‌شناسی انتقادی، نظامی از عقاید است که ساختارهای اجتماعی و روابط میان قدرت و سلطه را میان گروه‌ها (طبقات، تشکیلات اجتماعی و سازمان‌ها) هدایت می‌کند (شهری، ۱۳۹۰: ۶۷).

در تحلیل گفتمان انتقادی پژوهشگرانی چون ون‌دایک<sup>۳</sup>، فرکلاف<sup>۴</sup>، هاچ و کرس<sup>۵</sup> الگوهایی را ارائه داده‌اند که شیوه‌های خود را به شیوه‌های بروز مؤلفه‌های زبان‌شناختی معطوف کرده‌اند (اکبری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۵).

در این میان، ون لیوون در جایگاه تحلیل‌گر گفتمان انتقادی، روشی نوین ابداع کرد که به جای کاربرد شاخص‌های زبان‌شناختی، معیارهای جامعه‌شناختی - معنایی را ملاک تحلیل قرار داد. مقصود از مؤلفه‌های زبان‌شناختی، نام‌دهی، معلوم و مجهول ساختن است که عاملان عمل را عینیت می‌بخشد، حذف می‌نماید و یا غیرشخصی می‌کند.

در مقابل اکثر تحلیل‌گران گفتمان که توجه خود را به تظاهرات زبان‌شناختی این مؤلفه‌ها معطوف کرده‌اند، ون لیوون در مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی کارگزاران اجتماعی در گفتمان شبکه نظام‌مند» با ارائه فهرستی از شیوه‌های بازنمایی، چنین استدلال می‌کند که مطالعه مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی گفتمان، شناختی به‌مراتب عمیق‌تر و جامع‌تر از متن به دست می‌دهد. ون لیوون در روش خود بر این موارد تأکید می‌کند:

- کارایی مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی در نشان دادن لایه‌های متفاوت گفتمان، به‌ویژه لایه‌های زیرین متن است؛

- منظور از کارگزاران اجتماعی عاملانی هستند که در چارچوب نقش و کارکردی خاص عمل می‌کنند و در هریک از نهادهای رسمی و غیر رسمی در جامعه برابر الگو و عرف مشخص رفتار می‌کنند؛

- گفتار و کلام هریک از کارگزاران در قالب همین اعمال و دیدگاه فکری - اجتماعی و یا ایدئولوژی حاکم بر این نهاد، معنا پیدا می‌کند و تفسیر می‌شود (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۶۶).

از آنجا که هدف این بحث «بررسی چگونگی بازنمایی کنشگران اجتماعی در ترجمه مجاهدین خلق در جهت نهادینه کردن ایدئولوژی سازمانیشان» می‌باشد، الگوی یاد شده مبنای تحلیل قرار گرفته است. این مدل، به دو بخش کلی حذف<sup>۶</sup> و اظهار<sup>۷</sup> تقسیم می‌شود. در مجموع، بخش‌های یاد شده، شامل ۵۳ مؤلفه است.

در جستار حاضر، مؤلفه «توضیح یک واژه» از الگوی لطف‌الله یارمحمدی، صاحب‌نظر ایرانی، استفاده شده است (ر.ک: یارمحمدی، ۱۳۹۵: ۷۰). شایان بیان است که الگوی یارمحمدی همپوشانی بسیار زیادی با الگوی ون لیوون دارد و تنها در برخی موارد دارای نوآوری‌هایی بوده که مناسب با متون ادبی زبان فارسی است.

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، پیوندی عمیق میان الگوی ون لیوون و موضوع بررسی انتقادی ترجمه‌ها وجود دارد. طرح مسئله جایگاه ایدئولوژی در ترجمه اوایل ۱۹۸۰ میلادی توسط آندره لفویر<sup>۸</sup> نظریه‌پرداز منسوب به مکتب هلندی- بلژیکی «مطالعات ترجمه» مطرح شد (خان‌جان، ۱۳۹۱: ۱۵). وی بر این باور بود که نظام‌های ادبی عموماً متأثر از جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک هستند، به طوری که اگر ملاحظات زبانی در تعارض با ملاحظات ایدئولوژیک قرار گیرد، معمولاً برد با ملاحظات ایدئولوژیک است (همان: ۳۷).

در تحلیل انتقادی ترجمه تلاش می‌شود، مفاهیم ایدئولوژی پنهان و ضمنی شده در متن آشکار و اسباب و انگیزه‌های کاربست عناصر زبانی بازتاب دهنده ایدئولوژی تبیین گردد. به همین جهت در این جستار، تلاش شده است با کاربست الگوی ون لیوون انواع اظهار و حذف در ترجمه مجاهدین خلق آشکار شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد هفت مؤلفه در ترجمه مجاهدین خلق به‌کار رفته که در ادامه شرح آن‌ها بیان شده است.

## ۲-۱- اظهار

مقصود از اظهار وجود و حضور کنشگران اجتماعی در گفتمان است که به شیوه‌های مختلف محقق می‌شود (آفاگل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۵).

بررسی انتقادی ترجمه مجاهدین خلق (منافقین) از نهج البلاغه ... \_\_\_\_\_ راضیه نظری و همکاران

برای مثال، در آیه شریفه ﴿وَدَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ﴾ (اعراف/۳۷)، ضمیر متصل «نا» که مرجع آن لفظ جلاله «الله» است، کلمات «فرعون» و «قومه» کنشگرانی هستند که در متن ظاهر شده‌اند.

#### ۲-۱-۱-۱-۲-۱-۱-۲ فعال‌سازی<sup>۹</sup>

در راهبرد فعال‌سازی، کارگزاران اجتماعی در هیئت عامل، عمل و پذیرنده به عنوان نیروهای فعال و پویا و تأثیرپذیر ظاهر می‌شوند (یارمحمدی، ۱۳۹۵: ۷۳).

برای مثال، در آیه مبارکه ﴿وَوَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾ (جاثیه/۲۲)، فعل «خلق»، کنش و لفظ جلاله «الله» عامل اثرگذار است، نیز واژه‌های «السماوات» و «الأرض» عناصر کنش‌پذیر تلقی می‌شوند.

#### ۲-۱-۲-۲-۱-۲-۲ طبقه‌بندی کردن<sup>۱۰</sup>

در این مؤلفه، عوامل اجتماعی با عنایت به هویت‌ها و نقش‌هایی که با دیگران مشابه است، بازنمایی می‌شود. طبقه‌بندی سه نوع است:

##### الف) نقش‌دهی<sup>۱۱</sup>

در این راهبرد، عامل‌ها بر حسب نقشی که به آن‌ها داده می‌شود یا کارشان طبقه‌بندی می‌شوند. برای مثال در آیه ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ﴾ (نساء/۳۴) مردان به عنوان بخشی از کنشگران اجتماعی به وسیله نقش اجتماعیشان، یعنی سرپرست بودن از سایر کنشگران متمایز شده‌اند.

##### ب) هویت‌دهی<sup>۱۲</sup>

در هویت‌دهی، عوامل بر حسب ویژگی ذاتی و دائمی طبقه‌بندی می‌شوند و به آن‌ها هویت خاصی داده می‌شود. از انواع هویت‌دهی، می‌توان به هویت‌بخشی مقوله‌ای<sup>۱۳</sup> اشاره کرد که در آن افراد بر اساس قراردادهای طبیعی، تاریخی و فرهنگی، مانند: نژاد، مذهب، قوم، طبقه اجتماعی و حرفه تعریف می‌شوند (یارمحمدی، ۱۳۹۵: ۶۱).



در آیه شریفه ﴿إِن تُبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَبِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفَوْهَا وَتُوْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ (بقره/۲۷۱)، بخشی از کارگزاران اجتماعی به وسیله واژه «الفقرا» هویت‌دار شده‌اند.

#### ج) ارزش‌دهی<sup>۱۴</sup>

در این مؤلفه، عامل بر حسب ارزش فرهنگی یا اجتماعی که به شخص یا گروه داده می‌شود، بازنمایی می‌شود (همان: ۶۲). ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيُبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ﴾ (انعام/۱۶۵). در این آیه شریفه انسان به عنوان خلیفه الله و دارای شأنی بالاتر نسبت به سایر مخلوقات ارزش‌دهی شده است.

#### ۲-۱-۳- واژگان با توضیح<sup>۱۵</sup>

این راهبرد، نوعی از اظهار است که در آن عبارتی به عنوان توضیح کلمه پیشین می‌آید (یارمحمدی، ۱۳۹۵: ۶۵). آیه ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾ (فاتحه/۷) کلمه «الصراط المستقیم» در آیه ششم سوره فاتحه است.

#### ۲-۱-۴- پیوند زدن<sup>۱۶</sup>

در این مؤلفه، کارگزاران اجتماعی به شکل گروهی بازنمایی می‌شوند که در مورد مسأله یا فعالیتی خاص نظری یکسان دارند؛ اما ممکن است در مورد موضوع دیگری اتفاق نظر نداشته باشند (علی‌آبادی، ۱۳۹۲: ۴۲).

«انواع هم‌آیی<sup>۱۷</sup> واژگانی» نوعی پیوند زدن است (یارمحمدی، ۱۳۹۵: ۷۶) که در آن دو یا چند مفهوم به دلیل رابطه معنایی نزدیکی که با هم دارند، اغلب باهم به کار برده می‌شوند (شریفی و همکار، ۱۳۹۱: ۴۹).

برای مثال در آیه ۱۱۲ سوره مبارکه توبه بعضی از کنشگران مؤمن به وسیله حرف واو با یکدیگر مرتبط شده‌اند: ﴿الْآمُونِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ﴾

#### ۲-۱-۵- تفکیک کردن<sup>۱۸</sup>

این حالتی است که کارگزاران، بر حسب صفتی خاص برجسته و حتی اغراق‌آمیز جلوه‌گر می‌شوند (یارمحمدی، ۱۳۹۵: ۶۱). پهلوان‌نژاد معتقد است که در این نوع هویت‌بخشی فرد یا گروهی از کارگزاران اجتماعی با صراحت از دیگر گروه‌های مشابه تفکیک می‌شود و به عبارتی گروه خودی و غیر خودی شکل می‌گیرد (۱۳۸۸: ۵۹). برای مثال، در آیه شریفه ﴿وَأَمَّا الَّذِينَ ابْتَيْضُوا وَجُوهَهُمْ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (آل‌عمران/۱۰۷)، اهل بهشت به وسیله کاربست عنصر «رنگ سفید» برجسته شده و از سایر کنشگران تفکیک شده‌اند.

#### ۲-۱-۶- تشخیص‌زدایی<sup>۱۹</sup>

در تشخیص‌زدایی، کارگزار به صورت غیر انسانی ظاهر می‌شود، لازم به ذکر است که عینی کردن<sup>۲۰</sup>، نوعی تشخیص‌زدایی به شمار می‌آید که از طریق آن گفته‌ها، ابزارها، مکان‌ها و اقدام به صورت انسان در جمله ظاهر می‌شود.

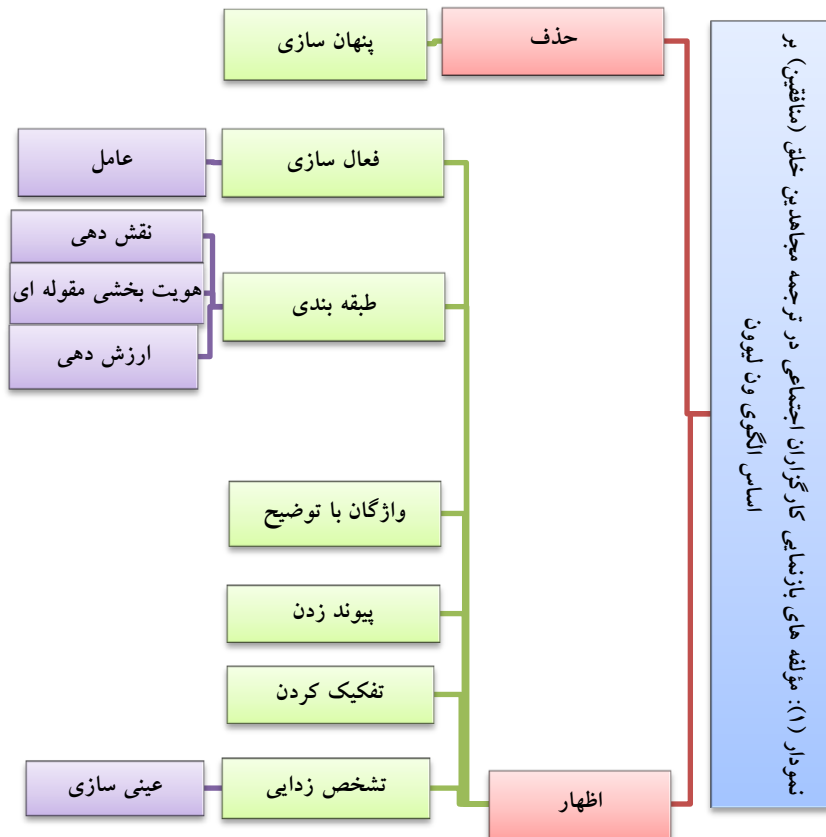
برای مثال، در آیه شریفه ﴿يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ﴾ (ق/۳۰)، دیالوگی وجود دارد که در آن، با استفاده از مؤلفه عینی کردن، «جهنم» در قالب کنش‌گر مورد خطاب و گفتگو قرار گرفته است.

#### ۲-۲- حذف

حذف، سازه‌ای گفتمان‌مدار است که تولیدکنندگان گفتمان از طریق آن، کارگزاران اجتماعی را به دلیل برآوردن منافع و اهدافشان به تصویر نمی‌کشند (علی‌آبادی، ۱۳۹۲: ۳۶). یکی از راهبردهای حذف، پنهان‌سازی<sup>۲۱</sup> است که در آن، نقش کارگزاران اجتماعی توسط مخاطب قابل ارزیابی نبوده و در هیچ‌کجای متن به آن اشاره نشده است (یارمحمدی، ۱۳۹۵: ۷۲).

برای مثال، در آیه ۲۲ سوره مبارکه حج ﴿وَكُذِّبَ مُوسَى﴾، کنشگرانی که موسی (ع) را تکذیب کرده‌اند، پنهان شده‌اند. شایان بیان است، کاربست افعال مجهول، اسم مصدر،

اسم‌سازی و صفت، شگردهای پنهان‌سازی نقش کارگزاران اجتماعی می‌باشند (علی‌آبادی، ۱۳۹۲: ۴۷).



### ۳- بحث و بررسی

#### ۳-۱- مؤلفه‌های اظهار

##### ۳-۱-۱- فعال‌سازی

• سَتَرْنِي عَنْكُمْ جَلْبَابُ الدِّينِ (خطبه/۴)

ترجمه: به خاطر پافشاری‌ام بر اصول مکتب مرا نادیده گرفته‌اید.

موضوع عبارت بالا نفاق برخی از اطرافیان امام علی (ع) و آگاهی ایشان نسبت به این رذیلت اخلاقیشان است. در این عبارت، واژه «جلباب الدین» فاعل فعل است، درحالی که در ترجمه مجاهدین خلق، امام علی (ع) به عنوان رفتارگر پافشاری کننده، فعال‌نمایی شده است. همچنین، با جا به جایی صورت گرفته، ضمیر مخاطب به عنوان کنش‌گر در کنش رفتاری «نادیده گرفتن» فعال‌نمایی و جانشین فاعل نحوی جمله شده است.

• شُغِلَ مِنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ أَمَامَهُ (خطبه ۱۶)

ترجمه: مشغول شد هرکس، در حالی که بهشت و دوزخ را در پیش دارد. در کلام امام علی (ع) فعل «شُغِلَ» به صورت مجهول بیان شده است و کنش‌گر اصلی یعنی لفظ «الله تعالی» پنهان شده است. وجود قرینه معنایی، سبب پنهان‌سازی کارگزار است. مفهوم عبارت ناظر بر این مطلب است؛ کسی که به وجود بهشت و جهنم باوری عمیق و راستین داشته باشد، از غرق شدن در امور کم‌ارزش دنیوی دور نگاه داشته می‌شود. از نظر مجاهدین خلق، انتخاب مواضع سیاسی در کنار روش‌های مبارزه که به محقق شدن اهداف سازمانی منتج شود برابر با مفهوم بهشت بوده و انتخاب نادرست به مثابه جهنم است (نشریه مجاهدین خلق، ۱۳۵۸: ۹). به همین خاطر، در ترجمه‌شان، فعل به صورت معلوم ترجمه شده و «اسم موصول» به صورت رفتارگری بازنمایی شده است که بهشتی یا جهنمی بودنش مبتنی بر همراهی یا عدم همراهی وی با سازمان مجاهدین خلق است.

### ۳-۱-۲- طبقه‌بندی کردن

#### • نقش‌دهی

• فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ وَ زِينُ الْوَلَاةِ وَ عِزُّ الدِّينِ وَ سُبُلُ الْأَمْنِ وَ لَيْسَ تَقُومُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ (نامه ۵۳)

ترجمه: سپاهیان و رزمندگان انقلاب در کادر قوانین و سنن الهی بایستی به صورت دژها و سنگرهای محکم برای حفاظت منافع توده‌های مردم و قدرت بخشیدن به رهبری مورد پذیرش آنها (رهبری انقلابی) درآیند و ایدئولوژی توحیدی را قوام و برتری بخشیده

و ضامن آسایش و امنیت مردم باشند. دستاوردهای انقلابی حفظ نمی‌گردد مگر به وجود ایشان (رهنمودهایی درباره پاسداری، ۱۳۵۸: ۱۴).

پیش از تحلیل باید به این نکته اشاره کرد که مجاهدین خلق برای تشکیلات سازمانی خود افزون بر نقش رهبری جنبش انقلاب، نقش رهبری جامعه را هم در نظر گرفته بودند؛ رهبری که به زعم منحصر به فرد بودنش، دیگران ملزم به همراهی وی بودند. این انحصارطلبی را می‌توان به خوبی در این عبارت نشان داد: «وقتی که یک سازمان و حزب متکامل تر قدم به صحنه می‌گذارد، بلاشک سایرین را تحت الشعاع قرار خواهد داد؛ به شرط آنکه واقعا مترقی باشد، در این صورت می‌تواند چتر نفوذ خود را گسترش دهد» (تبیین جهان قواعد و مفهوم تکامل)، ۱۳۵۸، ج ۴: ۱۶).

با در نظر گرفتن توضیحات بالا، عطف توجه به ترجمه نشان می‌دهد در برگردان کلمه «جنود» افزون بر «سپاهیان»، از کلمه «رزمندگان انقلاب» نیز استفاده شده است که نوعی هویت بخشی به طبقه‌ای محسوب می‌شود که وظیفه همراهی طبقه برتر را دارد. کاربست وجه التزامی افعال «درآیند» و «باشند» در راستای تعریف وظایف سپاهیان انقلابی که هویتشان با مفهوم در خدمت مرکز قدرت بودن نشان‌دار شده، به کار رفته است.

#### • هویت‌دهی مقوله‌ای

• وَالْحَيَاءُ فِي مَوْتِكُمْ قَاهِرِينَ (خطبه / ۵۱)

ترجمه: اگر قاهر باشید، اگر بر شرایط بنده‌ساز مسلط باشید، بایستید و مقاومت کنید، آنجا زنده‌اید (تبیین جهان قواعد و مفهوم تکامل)، ۱۳۵۸، ج ۹: ۲۸).

عبارت نهج البلاغه به صورت جمله اسمیه آمده است. اینکه یک اسم آغازگر کلام است نشان می‌دهد، تأکید گوینده بر کنش، یعنی زندگی کردن معطوف است. حال آنکه در ترجمه مجاهدین خلق این اصل نادیده گرفته شده و کنش‌گر، یعنی چه کسی باید زنده بماند، کانون معنایی جمله را شکل داده است. سپس مترجم ویژگی‌هایی را برای کنشگران با قید شرط تعریف کرده است که عبارت است از قاهر بودن، تسلیم شرایط بنده‌ساز نبودن، ایستادگی و مقاومت کردن. بدیهی است غرض معنایی گوینده در ترجمه، کمرنگ شده

است؛ چه آنکه در شرط محقق شدن جزء دوم گزاره، در گروهی تحقق جزء اول است؛ از نظر مجاهدین خلق، مردم زمانی زنده هستند که به وظیفه خود عمل کرده و به پیروزی دست یافته باشند. این در حالی است که در متن اصلی، حیات در مرگ (شهادت) ارزش گذاری و نتیجه آن، چیرگی بر دشمن قلمداد شده است. بنابراین در ترجمه مجاهدین خلق با هویت بخشی مقوله‌ای، مومنین حقیقی کسانی هستند که به موفقیت‌های عینی دست یابند. بدیهی است که در این هویت بخشی، عمل به دستورات دینی با هدف کسب رضایت الهی نادیده گرفته شده است.

#### • ارزش دهی

• **أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ وَهُوَ لِبَاسِ التَّقْوَى وَدِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ وَجُثَّةُ الْوَيْثِقَةِ فَمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ تَوْبَ الدُّلِّ وَ شَمْلَةَ الْبَلَاءِ** (خطبه/۲۷).

ترجمه: آگاه باشید که جهاد و پیکار مسلحانه (علیه طاغوت و طبقات استثمارگر) دری است از درهای بهشت که خداوند آن را بر روی بندگان خاص خودش باز کرده است. این پیکار رهایی بخش، لباس و پوشش تقوی (و آزادی از جبرهای فردی و اجتماعی) است و زره محکم خدا (در مقابل نیروهای منحرف از مسیر تکامل اجتماعی)، پس هرکس آگاهانه آن را ترک کند و بدان پشت نماید (دست از پیکار رهایی بخش بر علیه ستمگران و استثمارگران بردارد)، خداوند لباس و پوشش ذلت و خواری و زبونی به او می پوشاند و او را دچار بلا و سختی‌ها می کند (رهنمودهایی به جوانان انقلابی: خودسازی، ۱۳۵۸: ۲۴).

ترکیباتی چون «پیکار مسلحانه» و «پیکار رهایی بخش» سبب شده است که هویت جهادگران متناسب با ایدئولوژی منافقین برجسته و ارزش گذاری شوند. واژه «رهایی» از کلمات پربسامد در گفتمان مجاهدین خلق بوده که آن را چنین تعریف کرده‌اند: «رهایی یعنی خروج تدریجی از جبر شرایط، از وابستگی به محیط و اجبارات غریزی، گذار به مدارج عالی تر تکامل که مرادف با کسب استقلال و آزادی عمل بیش تر است؛ کمتر بنده

بودن» (تبیین جهان (قواعد و مفهوم تکامل)، ۱۳۵۸، ج ۹: ۶۰). کانون معناییِ رهایی در نگاه مجاهدین خلق مبتنی بر خروج از شرایط موجود و لازمه آن رویارویی مستقیم بوده است. در سویه آشکار این رویارویی، طاغوت و طبقات استعمارگر است؛ کارگزارانی که صاحبان قدرت بوده و حرکت نو را برنمی‌تاییدند و در سویه دیگر و نهان آن، مجاهدین خلق مدعی نوگرایی در عرصه قدرت بودند. آنان باور داشتند که امپریالیسم مانع و سد نوآوری است؛ «امپریالیسم به عنوان یک سد بزرگ در راه تکامل بشریت شناسایی و رهایی ملت‌ها از چنگ امپریالیسم سرلوحه مبارزه در عصر کنونی است» (سازمان مجاهدین خلق از پیدایی تا فرجام، بی تا: ۳۲۶ و ۳۲۷).

شعار رهایی بخشی موجود در بیانیه‌های مجاهدین خلق، در ترجمه آنان نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ از این رو جهادگرانی ارزشمند بودند که در جهت دستیابی به هدف رهایی بکوشند. نکته دیگر آنکه از پیکار رهایی‌بخش با عنوان «زره محکم خدا در مقابل نیروهای منحرف از مسیر تکامل اجتماعی» یاد شده. زره یک سلاح جنگی نفوذناپذیر است؛ از این رو ویژگی برجسته انقلابیون مجاهد آسیب‌ناپذیری آنان بود. از آنجا که در این برجسته‌سازی هویتی، مفهوم توحید، پررنگ است، تأثیر بسیاری در افکار عمومی و در نهایت برانگیختگی آنان داشته است.

• وَ الَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَنَّ بَلْبَلَةً وَ لِيُغَرِّبَنَّ غَرْبَةً وَ لِيَسْأَطَنَّ سَؤْطَ الْقَدْرِ حَتَّى يَعُودَ أَشْفَلُكُمْ  
أَعْلَاكُمْ وَ أَعْلَاكُمْ أَشْفَلُكُمْ وَ لِيَسْبِقَنَّ سَابِقُونَ كَانُوا قَصْرًا وَ لِيَقْصُرَنَّ سَبَاقُونَ كَانُوا سَبْقًا  
(خطبه ۱۶)

ترجمه: قسم به آن که پیامبر را به حق برانگیخت، بلاشک و یقیناً همگی‌تان به ابتلاء خواهید افتاد، ابتلایی سخت و توان‌فرسا، سپس در آمیخته و غربال می‌شوید، چه غربال شدنی! مثل کف‌گیری که غذای درون دیگ را زیرورو می‌کند، شما هم زیرورو خواهید شد تا آن که پایین‌ترین شما در بالاترین موقعیت و بالاترین افراد در نظام کنونی به نهایت پستی قرار داده خواهند شد. پیشتازانی که در این نظام تصفیه شده بودند، به پیش خواهند افتاد و

سردمداران ضدخلق و ارتجاع که به ناحق در رأس قرار گرفته بودند، به زیر کشیده می‌شوند» (انقلاب از دیدگاه امام علی (ع)، بی‌تا: ۲۰-۱۸).

مجاهدین خلق اگرچه اذعان به اصالت جامعه توحیدی بی‌طبقه داشتند؛ اما برگرداندن نشان می‌دهد که به وجود دو طبقه از انقلابیون باورمند بودند. آنان قشر اول انقلاب را طلایه‌داران حرکت تکاملی می‌دانستند؛ با این توضیح: «آنان انسان‌های مترقی هستند که موظفند جهت آگاهی توده‌ها به کار توضیحی پر دامنه دست بزنند و به توده‌های وسیع مردم در یافتن ایمان انقلابی و عزم راسخ نسبت به انقلاب و دید وسیع و استواری انقلابی یاری و دستگیری کنند» (راه انبیاء، راه بشر، ۱۳۵۷: ۴۸-۴۹).

با توجه به چنین باوری، واژه «أسفلکم» با عنوان «پیشتازان تصفیه شده» برجسته و ارزش‌دهی شده است. براین اساس، رهبران مجاهدین خلق، کنشگرانی هستند که آغازگر حرکت تکاملی می‌باشند.

اینکه چرا آنان خود را یگانه رهبر انقلاب می‌دانستند ریشه در تاریخ مبارزاتی‌شان دارد. وجه ماضی بعید در فعل «تصفیه شده بودند» بیانگر تاریخ طولانی مبارزات مسلحانه است. از این‌رو، آنان خود را با عنوان «پیشتازان» معرفی کردند؛ پیشتازانی که مغلوب قدرت حاکمیت بودند، سرکوب‌های پی در پی، مانع نشر عقایدشان شده بود و در نتیجه در عرصه قدرت ناکام ماندند؛ واژه «تصفیه شده» بیانگر ناکامی است.

همچنین، عباراتی وصفی همراه ارزش‌گذاری منفی در توصیف سران رژیم سابق آورده شده است؛ مانند: «ضدخلق»، «طرفدار ارتجاع»، «به ناحق در رأس امور بودن». به طور کلی، کاربست این نوع ارزش‌بخشی هویتی سبب می‌شد زمینه ذهنی مخاطب برای پذیرش برتری مجاهدین خلق آماده شده و انحصارگرایی آنان نسبت به مقوله قدرت در قالب رهبران آتی جامعه امری طبیعی تلقی شود.

### ۳-۱-۳- واژگان با توضیح

- إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ .. لَا يَرْوُونَ مَرْجُوًّا فَوْقَ مَا يَرْجُونَ، وَ لَا مَخُوفًا فَوْقَ مَا يَخَافُونَ (حکمت/۲۴)



اینان بالاتر از امید خود (طی کردن انقلابی و پرشور راه کمال که در مبارزه مستمر علیه موانع راه توده‌ها و اثبات حق و حقیقت در جهان خلاصه می‌شود) امیدی و ترسی، بالاتر از ترس‌شان (کوتاهی در انجام مسئولیت و رسالت و لغزیدن به دامان ضد تکاملی و خیانت به آرمان خلق‌ها) نمی‌بینند (معیارهای صلاحیت، ۱۳۵۹: ۶۸-۶۷).

در حکمت بالا دو ویژگی اولیاء الله، یعنی امید و ترس بیان شده است. این مفاهیم در گفتمان دینی بسامدی بالا دارند. این صفات مخلوق وارسته را می‌توان به عنوان یک رفتار واکنشی نسبت به اسماء جلاله خداوند، یعنی قاهر بودن و رحیم بودن تلقی کرد. ترسی که سبب می‌شود بنده از گناه دوری جوید و امیدی که موجب ترغیب او نسبت به انجام کارهای نیک می‌گردد. بنابراین در گفتمان دینی منشأ ترس و امید بنده، غیر مادی و فرابشری است. این عواطف در وجود اولیاء الله پایدار بوده و به همین خاطر به ویژگی اخلاقی آن‌ها تبدیل شده است.

اما در گفتمان مجاهدین خلق منشأ ترس و امید بشر، ریشه در مناسبات اجتماعی میان کادر رهبری و مردم دارد. «در منطق تکامل<sup>۱</sup> مفاهیم رهایی و آزادی همیشه با مسئولیت عجین است و نه گریز از آن؛ عجین با عملکردی است که ما را به یگانگی و وحدت روزافزون نزدیک کند» (تبیین جهان (قواعد و مفهوم تکامل)، ۱۳۵۸، ج ۹: ۷۹). مجاهدین خلق در قامت یک رهبر، خود را مسئول رساندن جامعه به وحدت حداکثری می‌دانستند؛ از این رو مفاهیم ترس و امید را در پیوند با همین مسئولیت تفسیر کرده بودند و در ترجمه‌شان با افزوده شدن توضیحات کلمات «امید» و «ترس» در پراکنش، اولیاء الله کسانی معرفی شده‌اند که امید و ترس‌شان ناشی از به ثمر رسیدن انقلاب و بی نتیجه ماندن آن بود.

• وَ كُلُّ يَوْمٍ لَا يُعْصَىٰ اللَّهُ فِيهِ فَهَوَ يَوْمٌ عِيدٍ (قصار/۴۲۰)

و هر روزی که در آن گام به عقب برداشته نشود- عصیان و سرکشی نسبت به خدا نشود- لاجرم آن روز، عید خواهد بود (تبیین جهان (قواعد و مفهوم تکامل)، ج ۹: ۸).

آنچه باعث می‌شود تکامل به عنوان یکی از اصول ایدئولوژی منافقین به نتیجه برسد، پایداری است؛ پایداری سبب می‌شود انسان انقلابی در هر مرحله، درکی جدید داشته و آگاه‌تر شود؛ «جریان تکامل بازگشت‌ناپذیر است. حرکت تنها یک جهت رو به جلویی دارد و هرچه هست نو است» (همان: ۹). از این‌رو آنان واژه‌های موجود در نهج‌البلاغه را با تفسیری ایدئولوژی در زبان مقصد برگردانده‌اند؛ برای مثال، از نگاه مجاهدین خلق، معنی واژه «عید» بازگشت مبتنی بر مفهوم وحدت است که رو به سوی هدفی غایی و نو دارد؛ «عید از مصدر عود و بازگشت است. نه بازگشتی به گذشته، قهقرا یا دور، بازگشت به فطرت و ناموس نهایی؛ چرا که به اعتقاد قرآن، فطرت نخستین جهان در وحدت و یگانگی است؛ بنابراین صحبت از عید، یعنی نو شدن، تکرار و نه قهقرا» (همان: ۱۲). در سایه همین نگاه تفسیری، مفهوم «عصیان نسبت به خداوند» بعد از عبارت ابتدایی و در قالب یک جمله معترضه بیان شده است و در این جابه‌جایی عبارت، این باور به مخاطب القاء می‌شود که خداوند امر به حرکت تکاملی فرموده است که خود یک ارزش مثبت تلقی شده و هرکس در مسیر حرکت تکامل ایدئولوژی حرکت نکند، نافرمان و گناهکار است.

• وَاللَّهُ مُسْتَأْدِبِكُمْ شُكْرَهُ وَ مُؤَرِّئِكُمْ أَمْرَهُ وَ مُمَهِّلِكُمْ فِي مَضْمَارِ مَحْدُودٍ لِيَسْتَأْذِنُوا سَبْقَهُ  
(خطبه/۲۱۱)

خداوند ادای شکرش را از شما می‌خرد (یعنی خداوند از شما می‌خواهد امکانات خود را در مسیری که خواست اوست -مسیر تکامل- به کار گیرید)، و شما را وارث و خلیفه امر و کار خویش کرده (یعنی امر تکامل را که قبل از شما جبراً با حاکمیت مطلق اراده خدشه‌ناپذیر خداوند جریان داشت به آگاهی و اراده شما واگذار کرده) و برای پیمودن این مسیر شما را در میدانی بس گسترده فرصت داده تا گوی سبقت را در مسیر تکامل از یکدیگر برابید (رهنمودهایی به جوانان انقلابی: خودسازی، ۱۳۵۸: ۲۷ و ۲۸).

به تصریح کتاب «تمام نهج‌البلاغه» امام (ع) این خطبه را در ایام جنگ صفین به منظور تشویق یارانش به جهاد ایراد نموده است (موسوی، ۱۴۲۶، ج ۴: ۵۳۰). در متن نهج‌البلاغه

کلمه «مستأدیکم» به معنی درخواست کردن و طلب داشتن است (ابن میثم، ۱۴۰۴، ج: ۴: ۳۳۵). بنابراین، در گفتمان دینی، خداوند تعالی کنش‌گری می‌باشد که خواهان شکرگزاری بندگانش است. نسبت فعل خواستن به خداوند به معنی امر کردن است و نشان می‌دهد که در این نوع گفتمان، کنش شکرگزاری وظیفه بنده است؛ اما این فعل در ترجمه مجاهدین خلق به خریدن برگردانده شده است و در نتیجه ارزش و اهمیت مفهوم بندگی به مرتبه فعالیت‌های دنیوی مبتنی بر سود و ضرر تقلیل یافته است؛ توضیح اینکه اگر خداوند خریدار شکر بنده باشد، مسأله شکرگزاری از حوزه واجبات دینی خارج شده و به عملکردی اختیاری تبدیل می‌شود و هرگاه عمل و کاری اختیاری باشد، می‌توان اشکالی گوناگون برای آن در نظر گرفت. به همین خاطر توضیحات موجود در پراتنز، با هدف سوگیری این عمل اختیاری بیان و نقش مردم در چارچوب ایدئولوژی تبیین شده است؛ اینکه امکانات جامعه باید در مسیر تحقق هدف تکامل بسیج شود و از سوی دیگر در این مسیر از یکدیگر پیشی بگیرند. همچنین، در این بخش از ترجمه مجاهدین در توضیح واژه «امر» روند تکامل بشری شرح داده شده است.

#### ۴-۱-۳- پیوند زدن

● فَقَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكُمْ عَبْدًا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ لَا يَنَامُ أَيَّامَ الْخَوْفِ وَلَا يَنْكُلُ عَنِ الْأَعْدَاءِ سَاعَاتِ الرَّوْعِ  
أَشَدَّ عَلَى الْفُجَّارِ مِنْ حَرِيقِ النَّارِ... فَإِنَّهُ سَيْفٌ مِنْ سُيُوفِ اللَّهِ (نامه/ ۶۹)

ترجمه: پس قطعاً به سوی شما بنده‌ای از بندگان خدا را برانگیختم که در روزگار ترس خواب ندارد و به هنگام هراس و درگیری جمع از دشمنان و با پیکار با آنان سرباز نمی‌زند، بر فاجرین و عناصر ضدانقلابی از سوزش آتش هم سوزنده‌تر و نابودگرتر است... پس او شمشیری است از شمشیرهای خدا (منتظر، بی تا: ۱۹۸).

در عبارات بالا ویژگی شجاعت مالک اشتر از زبان امام علی (ع) توصیف شده است. در ترجمه مجاهدین خلق، ترکیب کلمات «فاجرین» و «عناصر ضد انقلابی» نوعی هم‌آیی در زنجیره هم‌نشینی است. مترجم با استفاده از مؤلفه پیوند زدن توانسته است کلمه فاجر را به

نوعی نشان‌دار سازد؛ بنابراین مفهوم فاجر در خوانش مجاهدین به افرادی اطلاق می‌شود که عناصر ضدانقلابی را همراهی می‌کنند.

● إِنَّ مَنْ صَرَحَتْ لَهُ الْعِيبُ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْمُثَلَّاتِ حَجَزَتْهُ التَّقْوَى عَنِ تَفْحَمِ السُّبُهَاتِ (خطبه ۱۶)

ترجمه: کسی که عبرت‌ها و تجارب مربوط به انقلاب‌ها و مبارزات گذشته را در پیش رو دارد، تنها با تکیه بر تقوی می‌تواند از افتادن به اشتباه‌ها و انحرافات مصون بماند (انقلاب از دیدگاه امام علی (ع)، بی تا: ۱۶).

در عبارات بالا، امام (ع) به تشریح ویژگی‌های رهبری پرداخته است. واژه «مثلات» جمع «مثله» بوده و به معنی رنج و مجازات است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ۶۱۵)، در ترجمه مجاهدین ترکیب «انقلاب‌ها» و «مبارزات» جایگزین آن شده است.

### ۳-۱-۵- تفکیک کردن

● خَيْرُ النَّاسِ فِي حَالِ النَّمَطِ الْأَوْسَطِ فَأَلْزَمُوهُ (خطبه ۱۲۷)

ترجمه: بهترین مردم در این زمان و شرایط، گروه میانه‌اند (نه راست‌روها و نه چپ‌روها هیچ یک صحیح حرکت نمی‌کنند) (معیارهای صلاحیت، ۱۳۵۹: ۷۲).

موضوع این فراز از خطبه ۱۲۷ نهج‌البلاغه در ارتباط با میانه‌روی نسبت به دوست داشتن یا دشمنی کردن با امام معصوم (ع) است و اینکه کسانی که در ابراز محبت یا دشمنی، اصل میانه‌روی را نادیده بگیرند، نابود خواهند شد (خوئی، ۱۴۰۰، ج ۸: ۱۹۶-۲۰۰).

در این عبارت، مرجع ضمیر «باء» در ترکیب جار و مجرور «فی» شخص امیرالمؤمنین (ع) می‌باشد. درخور بیان است که این فراز به نشانه‌های کسانی که بهترین موضع‌گیری را در ارتباط با ایشان اتخاذ نموده‌اند، اشاره دارد؛ اما این تعبیر در برگردان مجاهدین خلق به صورت قید زمان «در این زمان و شرایط» تغییر یافته است تا در راستای این جایگزینی، جهت‌گیری ایدئولوژی مترجم با هدف تفکیک کردن گروه میانه‌رو، النمط الأوسط، قابل پذیرش باشد. از این‌رو واژه‌های «راست‌روها» و «چپ‌روها» در پرانتز قید شده است تا

گروه میانه‌رو از این دو گروه تفکیک شده و برجسته گردد. توضیح آنکه «در دوره پهلوی اطلاق چپ به کمونیست‌ها و توده‌ای‌ها و اطلاق راست به لیبرال‌ها و محافظه‌کاران طرفدار رژیم شاهنشاهی - به دلیل وابستگی به غرب - بسیار شایع بود» (مطهرنیا، ۱۳۸۷: ۱۴۰). واضح است که هم‌آیی واژه‌های «راست‌روها» و «چپ‌روها» در ساختار جمله‌ای که با حرف منفی نشان‌دار شده، سبب تفکیک شدن کنشگران «میانه‌رو» شده است و در نتیجه این تقابل‌سازی، مخاطب قادر خواهد بود وجه تمایز این گروه را از سایر کنشگران سیاسی درک کند.

• **بِهِمْ عِلْمَ الْكِتَابِ ... بِهِمْ قَامَ الْكِتَابُ وَ بِهِ قَامُوا (حکمت/۴۳۲)**

ترجمه: به سبب ایشان کتاب (قرآن و اصول معین جهان) دانسته شد (و در عمل قابل پیاده کردن است) ... با ایشان کتاب برجای ماند (اصول کلی افراد حامل و رساننده و تفسیر کننده و پیاده کننده می‌خواهد) و با آن کتاب آن‌ها برپا ماندند (تیین جهان قواعد و مفهوم تکامل، ۱۳۵۸، ج ۱۰: ۴۳).

در ترجمه عبارت بالا، مجاهدین با نگاه عصری‌نگری به مفهوم اولیاء الله، صفات منطبق بر باورهای خود را انتزاع کرده و به این گروه تعمیم داده‌اند؛ در خور بیان است که از دیدگاه آنان معیار مشروعیت رهبری، صلاحیت و میزان کارآیی وی در پیشبرد اهداف مکتبی و سازمانی است، بنابراین آن‌ها با استفاده از راهبرد افزایش ساختارهای زبانی در قالب توضیحات درون پراکنش توانسته‌اند، شخصیتی کاریزماتیک از رهبران سازمان ارائه دهند؛ توضیح آنکه اولیاء الله، رهبران مکتبی توانمندی بازنمایی شده‌اند که توانایی طراحی جریان انقلاب را دارند؛ زیرا قرآن را به همراه اصول معین جهان تبیین می‌کنند و قادرند طرح‌ها و برنامه‌هایشان را اجرا کنند. همچنین، آنان در میان آحاد جامعه مقبولیت دارند؛ زیرا حامل اصول کلی هستند، این اصول را به توده‌ها منتقل کرده و در گام آخر آن‌ها را تفسیر می‌کنند.

• إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ هُمُ الَّذِينَ نَظَرُوا إِلَى بَاطِنِ الدُّنْيَا إِذَا نَظَرَ النَّاسُ إِلَى ظَاهِرِهَا، وَاسْتَعْلَوْا بِأَجْلِهَا إِذَا اسْتَعْلَى النَّاسُ بِعَاجِلِهَا ... أَغْدَاءُ مَا سَأَلَمَ النَّاسُ (حکمت/۴۳۲).

ترجمه: اولیاء خدا، یاران راه خدا، آن کسانی هستند که اولین ویژگی آنها این است که وقتی مردم معمولی به ظواهر، به پدیدارها، به سطح به صورت قضا، به منفعت و قدرتی که هست می‌نگرند به بواطن به اعماق، به ژرفاها راه می‌برند... ایشان دشمن آن چیزهایی هستند که مردم به آن تسلیم‌اند (تمایلات خود به خودی و رو به فساد و غیر تکاملی) (تبیین جهان (قواعد و مفهوم تکامل)، ۱۳۵۸، ج ۱۰: ۴۳).

در حکمت بالا فعل «نظر» یک بار در ارتباط با مردم عادی و بار دیگر در ارتباط با اولیاءالله بیان شده و نشان‌دهنده ویژگی سطحی‌نگری مردم در مقابل ژرف‌اندیشی اولیاءالله است. درخور بیان است که ویژگی سطحی‌نگری لزوماً به صورت تعمدی شکل نمی‌گیرد، بلکه عامه مردم در اثر غفلت، دچار آن می‌شوند. اما در برگردان مجاهدین خلق، بخش قابل توجهی از کنشگران اجتماعی، یعنی مردم با تکیه بر همین ویژگی از طبقه رهبری تفکیک شده است.

توضیح آنکه در مسیر تکامل بشر دو نوع کنشگر وجود دارد؛ نخست عامه مردم که به صورت موجوداتی بی‌اراده به تصویر کشیده شده‌اند. افزودن عبارت «نگریستن به منفعت»، «قدرت ظاهری» و همین‌طور ترجمه «تسلیم بودن» به جای معادل صحیح کلمه «مصالحه کردن» در برگردن فعل «سالَم»، نشان‌گر تفکیک طبقات جامعه را در باور مجاهدین خلق است. بدیهی است، این طبقه بی‌اراده، مانعی بزرگ در مسیر تکامل بشری به شمار می‌آیند، در این مرحله، کنشگران دوم - یعنی رهبران مجاهدین - به تصویر کشیده شده‌اند که در مسیر تکامل پیش‌برنده هستند.

### ۳-۱-۶- تشخیص‌زدایی

• وَآتَوْسَمُكُمْ بِحِلْيَةِ الْمُعْتَرِينَ (خطبه/۴)

ترجمه: می‌دانم که دقیقاً منافع و تمایلات دنیوی شما را فریب داده و به این وضع انداخته است (معیارهای صلاحیت، ۱۳۵۹: ۶۶).

در این فراز از خطبه چهارم، کانون معنایی، بازتاب دهنده مفهوم فریفتگی است که با ترکیب اضافی «حلیة المغترین»، یعنی هیئت فریفتگان، بیان شده است. به سخن دیگر، آنچه در متن نهج البلاغه مدنظر گوینده بوده، اصل فریفتگی است؛ اما در ترجمه مجاهدین خلق، واژگان منافع و تمایلات با تکیه بر راهبرد عینی‌سازی به صورت کنشگرانی بازنمایی شدند که عامل فریفتگی خلق هستند. کاربست این مؤلفه در ترجمه، انگیزه همراهی با سازمان مجاهدین را در وجود سایر اقشار مردم ایجاد می‌کرد.

• إِنَّ أَمْرَنَا صَعْبٌ مُّسْتَعَصِبٌ (خطبه/۲۳۱)

ترجمه: بی‌تردید انقلاب ما راهی بسیار دشوار و پریچ وخم در پیش دارد (انقلاب از دیدگاه امام علی (ع)، بی‌تا: ۲۲).

مقصود از واژه امر در عبارت بالا موقعیت والای ائمه اطهار (علیهم‌السلام) است که نوع بشر نمی‌تواند به آن دست یابد (ابن‌میثم، ۱۴۰۴، ج ۴: ۱۹۸). در ترجمه مجاهدین خلق واژه «انقلاب» به جای کلمه «امر» ترجمه شده است و سپس آن در قالب انسانی عینی‌سازی شده که مجبور به تحمل مشقات برای رسیدن به تکامل است.

### ۳-۲- حذف

• إِيَّاكَ وَالْأَلْمَاءَ وَ سَفْكَهَا بَغَيْرِ حِلِّهَا فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى لِنِقْمَةٍ وَلَا أَغْظَمَ لِتَبَعَةٍ وَلَا أُخْرَى بِرِوَالِ نِعْمَةٍ وَ انْقِطَاعِ مَدَّةٍ مِنْ سَفْكِ الْأَلْمَاءِ بَغَيْرِ حَقِّهَا وَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مُبْتَدِئٌ بِالْحُكْمِ بَيْنَ الْعِبَادِ فِيمَا تَسَافَكُوا مِنَ الْأَلْمَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (نامه/۵۳).

ترجمه: پس بترس از اینکه خون‌هایی به ناحق ریخته شود؛ زیرا هیچ عملی بیشتر از خونریزی غیر عادلانه مورد مواخذه انقلابی قرار نخواهد گرفت. زیرا چنین کاری موجب از بین رفتن امکانات و نابودی نسل‌های انسانی می‌گردد، در میعادگاه نهایی اولین کسانی که

مورد بازخواست قرار می‌گیرند آن‌هایی هستند که از قدرت و سلاح خویش در جهت سرکوبی مردم استفاده کرده‌اند (رهنمودهایی درباره پاسداری، ۱۳۵۸: ۱۷).

فراز بالا برگرفته از نامه ۵۳ نهج البلاغه است که در آن امام علی (ع) کارگزار خود را از خشنونت نسبت به مردم و خصوصاً مخالفین که نتیجه آن درگیری و کشتار گسترده است برحذر داشته است؛ کشتاری که از میان‌برنده نعمت‌های مُلک بوده و عذاب الهی را در پی خواهد داشت، اما برگردان مجاهدین خلق از این فراز کاملاً مبتنی بر بازنمود ایدئولوژی‌های سازمانی است. «انتقام گرفتن»، یکی از شالوده‌های اصلی ترجمه‌های منافقین است.

در گفتمان دینی، خداوند کنش‌گر و منتقم اصلی است که در اینجا حذف شده و نائب فاعل، یعنی اولین کسانی که مورد مؤاخذه قرار می‌گیرند، به صورت ساختار مجهول بازنمای شده است. بدیهی است که در این فرآیند، توجه مخاطب از کنش‌گر عمل - یعنی الله تعالی - به کنش‌پذیر - آنکه مؤاخذه انقلابی می‌شود - معطوف شده و در نتیجه نقش مجاهدین خلق به عنوان مؤاخذه‌گران انقلابی به صورت پوشیده و پنهانی مورد تأکید قرار گرفته است.

همچنین، ساختار اسم فاعل در ترکیب «مُبْتَدِئٌ بِالْخَكْمِ» به معنی آغازگر حکم است که در ترجمه منافقین به شکل نقش مفعولی، اولین گروهی که محاکمه می‌شوند، بازنمایی شده است.

● وَمَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَاَلْجَأُ عَلَيْهِ أُصَيُّ (خطبه/۱۵).

ترجمه: و چنانچه در مسیر این راه، تنگی و سختی است، راه غیر عادلانه به مراتب تنگ‌نمایش بیشتر است» (بیانیه اعلام مواضع سیاسی، ۱۳۵۸: ۱).

عبارت بالا، یک گزاره شرطی بوده که با ادات شرط «من» آغاز شده است. کانون معنایی جمله حول افراد و کنشگران ناراضی از اجرای عدالت شکل گرفته است. به سخنی دیگر کاربرد اسم شرط «من»، بخشی از کارگزاران جامعه را در قالب نیروهای پویا و دارای عملکرد ذهنی «ناراضی بودن» بازنمایی کرده است؛ اما در برگردان مجاهدین این کنشگران





۳- تبیین جایگاه کنشگران اجتماعی برای مجاهدین خلق از اهمیت بالایی برخوردار بود؛ از این رو گام دوم مجاهدین خلق در بازتولید ایدئولوژی‌شان، بهره‌گیری از مؤلفه‌های فعال‌سازی، طبقه‌بندی و تفکیک کنشگران اجتماعی بوده است. در ترجمه آنان، سه طبقه بر اساس هویت کنشگران اجتماعی بازنمایی و ارزش‌دهی شده‌اند که در شکل زیر نشان داده شده است:



(شکل ۱: نظام طبقاتی جامعه مجاهدین خلق (منافقین))

۴- در خور بیان است که سازه تفکیک هم در راستای تبیین جایگاه کنشگران بسامد قابل توجهی دارد؛ به همین خاطر هویت کادر رهبری و سربازان با مفاهیم ارزشی مثبت و سایر اقشار با ارزش‌های منفی نشان‌دار و از یکدیگر تفکیک شده‌اند.

۵- برجسته‌سازی باورها و اهداف سازمانی در جریان تحقق انقلاب و ایجاد جامعه آرمانی، مجاهدین خلق را برآن داشت تا در گام سومشان جهت بازتولید ایدئولوژی خویش از راهبردهای عینی‌کردن و پنهان‌سازی که از اقسام مؤلفه‌های تشخیص‌زدایی و حذف به شمار می‌آیند با هدف تنبیه و آگاه کردن توده‌های مردمی نسبت به مفهوم انقلاب و تشویق آنان به همراهی با جریان انقلاب و تهدید مخالفان استفاده کنند.

۶- سرانجام، با توجه به شواهد ارائه شده باید گفت: برگردان مجاهدین خلق از کتاب نهج‌البلاغه، دگرگفتی منحصر به فرد است که در آن گفتمان سازمانی، جایگزین گفتمان الهی شده است.

## ۵- پی‌نوشت

- 1- Social Actors
- 2- Van Leeuwen
- 3- van Dijk (1943)

- 4- Fairclough (1989)
- 5- Hodge & Kress (1996)
- 6- exclusion
- 7- inclusion
- 8- André Lefevre (1945-1996)
- 9- Activation
- 10- Categorisation
- 11- Functionalisation
- 12- Identification
- 13- Classification
- 14- Apprisment
- 15- Item With extra explanations
- 16- Association
- 17- Collocation
- 18- Differentiation
- 19- Impersonalisation
- 20- Abstraction Objectivation
- 21- Suppression

## ۶- منابع

### قرآن کریم

- ۱- آقاگل زاده، فردوس؛ خیرآبادی، رضا؛ گلفام، ارسلان، «مطالعه تطبیقی شیوه بازنمایی کنشگران ایرانی و غربی در پرونده هسته‌ای ایران در رسانه‌های بین‌المللی (الگوی ون لیوون ۲۰۰۸م)»، *جستارهای زبانی*، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱-۱۶، (۱۳۹۲ش).
- ۲- اکبری، حمیدرضا؛ تفکری رضایی، شجاع؛ غلامعلی زاده، خسرو، «بازنمایی کنشگران اجتماعی داستان آب بید با بهره‌گیری از الگوی جامعه‌شناختی - معنایی ون لیوون»، *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، شماره ۲۵، صص ۱۷-۳۳، (۱۳۹۸ش).
- ۳- ابن میثم، میثم بن علی، *شرح نهج البلاغه*، تهران: نشر الکتاب، (۱۴۰۴ق).
- ۴- ابن منظور، محمدبن مکرم، *لسان العرب*، بیروت: دارالصادر (۱۴۱۴ق).
- ۵- *انقلاب از دیدگاه امام علی (ع) [بیرداشت‌هایی از خطبه ۱۵ و ۱۶]*، تهران: انجمن جوانان مسلمان میثاق، (بی تا).
- ۶- بیانیه اعلام مواضع سیاسی حضرت علی (ع) در آغاز رهبری، *نشریه مجاهد*، شماره ۲، صص ۹ و ۱، (۱۳۵۸ش).

بررسی انتقادی ترجمه مجاهدین خلق (منافقین) از نهج البلاغه ... \_\_\_\_\_ راضیه نظری و همکاران

- ۷- پهلوان‌نژاد، محمد رضا؛ صحراگرد، رحمان؛ فلاحی، محمدهادی «شیوه های بازنمایی کارگزاران اجتماعی در نشریات دوره مشروطه از منظر گفتمان شناسی انتقادی با عنایت به مولفه های گفتمان مدار جامعه شناختی - معنایی»، *زبان شناسی و گویش های خراسان* (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد)، شماره ۱، صص ۵۱-۷۳، (۱۳۸۸ش).
- ۸- تبیین جهان (قواعد و مفهوم تکامل) آموزش های ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق ایران [سخنرانی مسعود رجوی] ج ۱. تهران: انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران، (۱۳۵۸ش).
- ۹- جعفریان، رسول، مروری بر زمینه های فکری التقاط جدید در ایران. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی (۱۳۶۹ش).
- ۱۰- حکیمی، محمدرضا، محمد و علی، الحیاء، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، (۱۳۸۰ش).
- ۱۱- خان‌جان، علیرضا، ایدئولوژی در ترجمه های متون خبری: رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه اصفهان (۱۳۹۱ش).
- ۱۲- خوئی، میرزا حبیب الله، *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*. تهران: مکتبه الإسلامیه، (۱۴۰۰ق).
- ۱۳- دشتی، محمد، *ترجمه نهج البلاغه*، تهران، بنیاد نهج البلاغه، (۱۳۹۷ش).
- ۱۴- راه انبیاء، راه بشر [سومین کتب ایدئولوژی مجاهدین خلق] بی‌مک: نشر صادق، (۱۳۵۷ش).
- ۱۵- رهنمودهایی به جوانان انقلابی: خودسازی از دیدگاه مجاهدین [درس اول انسان چه مهره‌ای است؟] به کوشش سازمان جوانان مجاهد، تهران: انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران، (۱۳۵۸ش).
- ۱۶- رهنمودهایی درباره پاسداری، تهران: انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران، (۱۳۵۸ش).
- ۱۷- سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام [۱۳۴۴-۱۳۸۴]، ج ۱. به کوشش جمعی از پژوهشگران تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، (۱۳۹۵ش).
- ۱۸- شریفی، شهلا؛ نامور فرگی، مجتبی، «تقسیم‌بندی جدید انواع باهم‌آیی واژگانی با در نظر گرفتن ویژگی های فرامنتی در شکل‌گیری انواع باهم‌آیی»، *مجله زبان‌شناسی و گویش های خراسان*، شماره ۷، صص ۳۹-۶۱، (۱۳۹۱ش).
- ۱۹- شهری، بهمن، بررسی رابطه میان ایدئولوژی و استعاره با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد (۱۳۹۰ش).

دوفصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث \_\_\_\_\_ دوره ۸، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

- ۲۰- علی آبادی، الهام، تحلیل گفتمان انتقادی خیزش های انقلابی برخی کشور های عربی منطقه در عناوین گزیده ای از روزنامه های داخل و خارج در سال ۱۳۹۰ براساس (الگوی ون لیوون)، پایان نامه ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان (۱۳۹۲ش).
- ۲۱- کریمی، احمدرضا، شرح تاریخچه سازمان مجاهدین خلق ایران و مواضع آن، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، (۱۳۸۴ش).
- ۲۲- معیارهای صلاحیت رهبری از دیدگاه علی(ع)، تهران: انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران، (۱۳۵۹ش).
- ۲۳- مطهرنیا، مهدی، «چپ و راست؛ از واژگان تا واقعیت سیاسی»، زمانه، شماره ۷۸، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، (۱۳۸۷ش).
- ۲۴- منتظر، نجم الدین، فروغ نهج البلاغه، بی مک، بی تا.
- ۲۵- موسوی، سید صادق، تمام نهج البلاغه، تصحیح فرید سید، ج ۴، بیروت: السید صادق الموسوی، (۱۴۲۶ق).
- ۲۶- یارمحمدی، لطف الله، گفتمان شناسی رایج و انتقادی، تهران: هرمس (۱۳۸۳ش).
- ۲۷- -----، تجزیه و تحلیل مقابله ای گفتمان شناختی زبان فارسی و انگلیسی در چارچوب زبان شناسی انتقادی، تهران: هرمس (۱۳۹۵ش).